مسئول زنان جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات ایران:

دود دست دوم سیگار، سالانه ۸۰۰ کودک ایرانی را می‌کشد

«خانه بدون دود» یا «خانه بدون دخانیات»، خانه‌ای است که در آن هیچ محصول دخانی اعم از انواع سیگار و سیگارت، قلیان، چپق، پیپ و انواع سیگارهای الکترونیک و ویپ... استفاده نمی‌شود. چه دودی که از نوک روشن سیگار در محیط منتشر می‌شود، چه دودی که به وسیله دم وارد ریه و یا بازدم در محیط اطراف منتشر می‌شود و چه ذرات و سموم دود سیگار که در سطوح مختلف به وسایل خانه به مدت طولانی می‌چسبد. زهرا صدر، مسئول زنان جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات ایران در گفت‌وگو با «جوان» ضمن اعلام خبر شروع پویش «خانه بدون دود» می‌گوید: هدف از انجام «پویش خانه بدون دخانیات» یا «خانه بدون دود»، آشنایی مادران و اعضای خانواده با مضرات دخانیات و راه‌های پیشگیری از بیماری‌های ناشی از مصرف دخانیات است که شاید راهی برای ترک دخانیات باشد. گفت‌وگوی ما با این مقام مسئول به شرح زیر است.

خانم صدر! لطفاً ابتدا کمی درباره طرح «خانه بدون دود» و اهداف اصلی آن توضیح دهید.

با توجه به اینکه دخانیات بزرگ‌ترین عامل مرگ و میر قابل پیشگیری است بنابراین در این پویش مصرف دخانیات در خانه ممنوع خواهد بود. هدف از این پویش بر سه محور استوار است. ابتدا به نوعی تشویق جامعه در مشارکت مردمی در برنامه‌های پیشگیری از مصرف دخانیات است. افزون بر این هدف دیگر آگاهی والدین خصوصا مادران از آسیب‌های ناشی از مصرف دخانیات است. در گام سوم با پیاده‌سازی خانه بدون دود، به نوعی کودکان (به مفهوم غیر مستقیم) از مضرات مواد دخانی مثل سیگار و قلیان آگاه می‌شوند. به صورت کلی هدف از انجام پویش خانه بدون دخانیات یا خانه بدون دود، آشنایی مادران و اعضای خانواده با مضرات دخانیات و راه‌های پیشگیری از بیماری‌های ناشی از مصرف دخانیات است که شاید راهی برای ترک دخانیات باشد.

به نظر شما چرا تمرکز روی فضای خانه اهمیت دارد و چرا زنان در این طرح نقش کلیدی دارند؟

از آنجایی که فضای خانه اولین دانشگاه برای کودکان است، رفتار والدین خصوصا زنان و مادران نقش بسزایی در تربیت فرزندان دارد بنابراین رفتار مادران بیشتر از گفتار آنان روی کودکان تأثیرگذار خواهد بود و فرهنگ‌سازی به صورت ناخود آگاه شکل می‌گیرد.

این طرح چگونه تلاش می‌کند فرهنگ‌سازی در زمینه ترک دخانیات را از درون خانواده آغاز کند؟

اگر این پویش به طور دائم صورت گیرد و افراد سیگاری در خانه سیگار و قلیان مصرف نکنند شاید افراد سیگاری به فکر ترک دخانیات باشند یا به دلیل بیماری‌های ناشی از مصرف دخانیات آن را کنار بگذارند. در این طرح تمامی ابزارها و ادوات مصرف دخانیات مانند قلیان، انواع سیگار، ویپ، جاسیگاری و ... از خانه جمع آوری می‌شوند. اعضای خانواده و میهمان‌هایی که مصرف کننده هستند در خانه حتی بالکن، تراس و... دخانیات مصرف نمی‌کنند. کودکان برای خرید سیگار یا ادوات مورد نیاز برای قلیان فرستاده نمی‌شوند. از کودکان و نوجوانان برای آماده‌سازی قلیان کمک گرفته نمی‌شود. در مسافرت‌ها و برنامه‌های تفریحی خارج از منزل نیز ابزار و ادوات قلیان همراه برده نمی‌شود و تابلوی خانه (بدون دخانیات) ابتدای ورودی خانه به دیوار نصب می‌شود.

در ایران سالانه حدود ۶۵ تا ۷۰ هزار نفر به علت مصرف سیگار در کشور یا سکته قلبی، مغزی، سرطان، بیماری مزمن تنفسی، بیماری قلبی و دیابت فوت می‌کنند و قرار گرفتن در معرض دود سیگار یا دود دست دوم نیز عامل فوت ۶ تا ۷ هزار نفر در سال می‌شود که از این تعداد حدود ۸۰۰ نفر سهم کودکان است

دخانیات چه تأثیراتی بر سلامت زنان و کودکان در فضای خانه دارد؟ آیا آماری هم در این زمینه دارید؟

طبق آمار سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۹، دخانیات در هر چهار ثانیه جان یک نفر را می‌گیرد و عامل مرگ حدود ۹ میلیون نفر بوده است و یک میلیون نفر نیز در اثر دود تحمیلی ناشی از دخانیات جان خود را از دست داده‌اند. در ایران سالانه حدود ۶۵ تا ۷۰ هزار نفر به علت مصرف سیگار در کشور یا سکته قلبی، مغزی، سرطان، بیماری مزمن تنفسی، بیماری قلبی و دیابت فوت می‌کنند و قرار گرفتن در معرض دود سیگار یا دود دست دوم نیز عامل فوت ۶ تا ۷ هزار نفر در سال می‌شود که از این تعداد حدود ۸۰۰ نفر سهم کودکان است.

چرا تمرکز ویژه‌ای بر زنان در این طرح وجود دارد؟ نقش زنان در خانواده در مقابله با دخانیات چگونه تعریف شده است؟

با توجه به اهمیت سلامت زنان و نقش مؤثر آنان در الگوبرداری جوانان و نوجوانان زنان با رتقای آگاهی در باره آسیب‌های جسمانی، اجتماعی و اقتصادی دخانیات در امر پیشگیری نقش خیلی مهمی خواهند داشت.

تجربه یا خاطره‌ای از یک زن یا خانواده‌ای که به‌شکل خاصی تحت تأثیر این طرح قرار گرفته‌اند در ذهن دارید؟

خاطره‌ام است حسب یک گفت‌وگوی ضروری در منزل، تلفنی از اثرات سیگار و دود آن بر زنان باردار صحبت می‌کردم. همسایه‌ای در منزلم بود و صحبت‌های مرا شنید. بعد از چند روز گفت باردار هستم و پس از گفت‌وگوی شما همسرم در منزل سیگار نمی‌کشد.

چه اقداماتی برای آموزش و توانمندسازی زنان در این زمینه انجام شده یا در حال اجراست؟

برگزاری کلاس‌های آموزشی، تهیه بروشور، تألیف کتاب درباره کنترل و پیشگیری از دخانیات از جمله این موارد است.

آیا برنامه‌ای برای شناسایی و حمایت از زنان آسیب‌پذیر در خانواده‌هایی با مصرف بالای دخانیات وجود دارد؟

بله، اگر فردی مایل به ترک دخانیات باشد، به صورت رایگان از طریق جمعیت مبارزه با دخانیات با او تماس گرفته می‌شود. اگر کسی اراده و تصمیم به ترک دخانیات داشته باشد به راحتی این مسیر برای او از طریق انجمن میسر می‌شود. پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که چه مسیری برای درمان داشته باشد و از طریق مشاوره روانشناختی و نیز دارو درمانی به ترک کمک خواهد شد.

در پایان، چه پیامی به زنان و مادران ایرانی به مناسبت روز جهانی بدون دخانیات دارید.

پیام من به تمام دختران جوان - مادران آینده - و بانوان محترم این است «چه خود مصرف‌کننده دخانیات باشند یا در معرض دود تحمیلی دیگران قرار بگیرند، بزرگ‌ترین قربانیان این صنعت پرسود هستند. دخانیات باعث پیری یا باستگی زودرس می‌شود و همچنین احتمال ناباروری در زنان را افزایش می‌دهد. افزون بر این، باعث چین و چروک صورت می‌شود و از همه مهم‌تر مادران باردار که مصرف کننده سیگار و قلیان یا در معرض دود تحمیلی باشند دچار آسیب‌های جبران ناپذیری می‌شوند از جمله حاملگی خارج رحم، سقط جنین یا اینکه نوزاد متولد شده با وزن کم به دنیا می‌آید. تشنج نوزاد و سندروم مرگ ناگهانی نوزاد و پنومونی در کودکان نیز بسیار مواردی است که باید به آن اشاره کرد.

چرا نوجوانان به سیگار «نه» نمی‌گویند؟!

اولین پک، آخرین پشیمانی

هیچ کس فکر نمی‌کرد همون یک نخ، بشه شروع همه‌چیز. وقتی کشید، تلخ بود، سوزوند، سرفه آورد اما دنه داد. نه چون خوشش اومده بود، چون به چیزی نون لحظه بود که از تلخی دود، ساده‌تر به نظر می‌رسید؛ تنهایی، لجبازی، استرس، کنجکاوی، دلشکستگی، تقلید؛ زست، کم‌نیاوردن و ایجاد جذابیت. برای خیلی‌ها مسیر سیگار از یک تصمیم قاطع شروع نشد؛ از یک لحظه‌ی فکری شروع شد. لحظه‌ای که یکی گفت «بگیر آروومت میکنه» یا وقتی دیدن نخ تنهی دست پدر عادی شده بود یا وقتی خواستن خودشونو قوی‌تر، مستقل‌تر، یا «مرد‌تر» نشون بدن و این شد شروع. از همون یک، یک و بعد، سال‌ها دود. سال‌ها سرفه، وایستگی و تنهایی دوباره و یک مسیر که انتهاش یا تبرک بود یا تخت بیمارستان. روایت‌هایی که در ادامه می‌خوانید، صدای آدم‌هایی است که شاید کنار ما زندگی کرده‌اند. شاید هنوز درگیرند. شاید با چنگ و دندان برگشته‌اند. روایت‌هایی واقعی‌اند، نه ساده، اما عمیق. نه برای ترسیدن برای فکر کردن. برای به یاد آوردن اولین‌ها و اینکه راهی که باز کرد، به کجا رسید به خصوص والدینی که همه چیز را شوخی می‌گیرند و در دیگر خود هستند.

کشیدم از روی...

یچه‌مدرسه‌ای |۱۶ ساله |از روی لجبازی: دبیر ورزش‌مون گفته بود هرکی سیگار بکشه بی‌غیرته. منم فردای تو سرویس مدرسه از یکی گرفتم و کشیدم. تلخ بود، نه گلوم سوخت، بدم اومد ولی لجبازی با اون حرف، تبدیل شد به عادت. وقتی ترک کردم، ۳۰ ساله بودم هر بار بوی دود رو حس می‌کنم، یاد همون فحش دبیر ورزش می‌افتم. ای کاش به‌خود دیگه غیرت یادمون می‌داد.

دختر جوان |۳۵ ساله |از روی تنهایی: پدر و مادرم زیاد سفر می‌رفتن. منم همیشه سرمو با فیلم گرم می‌کردم. با دوستی آشنا شده بودم که همیشه می‌گفت «خوش به حالت تنهایی». من آرزو داشتم جای تو بودم. کاری هم نمی‌کردم. فقط سیگار رو کشیدم. اگه‌ای اینجا نبودم، اگه‌ای اینجا نبودم باز معاینه‌ایش این شد که خب وقتی تنهام باید یه کاری کرد. از فیلم دیدن اینجام بدم که از فوبیت تنهایی استفاده کنم. در نهایت به خودم اومدم دیدم دوست دارم تنها باشم تا فیلم ببینم و سیگار بکشم. بعد از مدت کوتاهی پوستم نابود شد. به واقع زیباییم از دست رفت. ترک کردم ولی پوستم به شادابی روزهای اول برنگشت.

کارمند بانک |۳۸ ساله |از روی استرس: اولین باری که سیگار کشیدم، روزی بود که مدیر شعبه بهم گفت: «اگه امروز تا شب این تسهیلات رو نبندی، منتظر اخراج باش.» یک همکار قدیمی بهم گفت: «بیا اینو بکش، آروومت می‌کنه.» آروومم کرد ولی بعدش هر اضطراب کوچیکی، یک نخ می‌خواست و خب اضطراب تو زندگی من هیچوقت تموم نشد. وقتی ترک کردم، فهمیدم هیچ‌چیز آروم‌تر از نفس کشیدن بدون دود نیست.

مادر خانه‌دار |۳۵ ساله |از روی کنجکاوی: من تازه نامزد کرده بودم. به شب تولد شوهرم بود، با دوستاش نشسته بودیم. همه می‌کشیدن. منم خواستم خودی نشون بدم. به یک زنده، بعد سرفه‌م گرفت. گفتم: «اِه، این چیه؟» ولی اون شب تموم شد و من موندم و یه حس عجیب. انگار به در جدید باز شده بود که هی می‌خواستم سرک بکشم. اول در ۲۰ سال بعد یا به سرفه شدید توی ریه‌هام بدنه شد.

دانشجوی هنر |۲۳ ساله |از روی زست: همه بچه‌های کلاس نقد فیلم سیگار می‌کشیدن. منم نمی‌خواستم بی‌کلاس باشم. رفتم پشت کافه، سیگار روشن کردم، به یک زنده، دوریس رو در آوردم، عکس گرفتم خوشم اومد. تا دو سال فکر می‌کردم دارم عمیق می‌شم ولی تهش، فقط ریه‌هام داشت سوراخ می‌شد. الان به این عکس نگاه می‌کنم و می‌خندم. نمیدونم آدمی رو می‌بینم که هنوز نمی‌دونه در اصلی از کجاست.

پسرک محله |۲۲ ساله |از روی بازیگوشی: توی خرابه که کوچه، یکتا خالی پیدا کرده بودیم. هنوز یکی توش بود. دعوا شد کی بکشه. نوبت من که شد، رفتم پشت دیوار، به یک زده، تلخ بود و داغ اما حس کردم دارم بزرگ می‌شم. بعدش هربار تنها می‌شدم، می‌رفتم دنبالش. مثلاً بزرگ شدم اما نه به‌خاطر سیگار. بیشتر به‌خاطر پشیمونی.

زن جوان |۲۹ ساله |از روی دلشکستگی: اون روز که گفت دیگه نمی‌خواد ادامه بده، توی کافه نشستیم. اشکام خشک شد. دلم شکست. دختری آمد کنارم و گفت «کمک میخوای؟» گفتم «چه نخ سیگار داری؟» همونجا کنار پنجره کشیدم. انگار دلم می‌خواست خودمو بسوزونم اما اون رابطه تموم شد. سیگار نمونده. فقط اون لحظه موند تو ذهنم. ترکش نکردم، تمامش کردم.

نوجوان |۱۷ ساله |از روی تقلید: بابام سیگار می‌کشید. همیشه. هیچوقت نگفت نکش. همیشه پاکشش رو می‌داشت و میبرد. اولین بار، از همون پاکت یواشکی برداشتم. فکر کردم اولید خوبه که همیشه همراهشه. سال‌ها گذشت. من ترک کردم. اون نکرد ولی هنوز هر وقت بهش نگاه می‌کنم، به خودم لعنت می‌فرستم که شبیه‌ترین کارم به بابام همون اولین پک بود.

راننده تاکسی مجازی |۲۵ ساله |از روی تجربه: از وقتی چشم باز کردم، دود بود. کنار تلویزیون، توی ماشین، توی خونه. بابا می‌کشید، مامان گاهی. مهمونا همیشه. هیچ‌کس چیزی نگفت. هیچ‌کس نگفت بده. بزرگ شدم. بزرگ با یه حافظه پر از بوی تنباکو و صدای فندک اولین بار که کشیدم، حس نکردم کار عجیبی می‌کنم. آشنا بود. مثل یه عادت قدیمی که فقط تا حالا امتحانش نکرده بودم. هیچ‌کس نفهمید که بدترین آرتی که گرفتم، اون پاکت نصفه بود روی میز.

دختر جوان |۲۶ ساله |برای اینکه نکن بچه‌ای: گفتن بگیر، یه یک فقط. همه زدن. نگاه‌ها اثاث سمت من. نمی‌خواستم بگم «نه». نمی‌خواستم بگن کم آورد. ویپو گرفتم. دود اومد بالا. خنده‌ها هم. اولین بار بود. آخرین بار نشد. هیچوقت نفهمیدن که این یک، فقط یه زست نبود. یه شروع بود. شروع چیزی که حالا هر روز با خودم می‌برم. حتی وقتی کسی نیست. نگام کنه. کاش این روز می‌گفتم نه. کاش بلد بودم. به «نه» کوچیک، از یه «اِه» لعنتی قوی‌تر.

هیچ‌کس اولین پک را برای مردن نمی‌زند. اولین پک، همیشه یک چیز دیگر است. تقلید، کنجکاوی، جذابیت، تجربه، بازیگوشی، لج، زست، تنهایی یا حتی دلشکستگی اما آنچه خطرناک است، فقط نخ سیگار نیست، بلکه صحنه‌ای است که پیش از آن دیده شده است. در خانه‌ای که سیگار کشیده می‌شود، دود تنها چیزی نیست که در هوا پخش می‌شود. نگاه‌ها تکرار می‌شوند. رفتارها ثبت می‌شوند و بچه‌ها همیشه در حال یاد گرفتن‌اند؛ بی‌صدا، بی‌سؤال، ولی با دقت

پسر نوجوان |۱۵ ساله |برای جذاب شدن: همه می‌گفتن خاصی با اون بخاری رفتی، با اون لوز کوچیک وسط دست. اولش فقط به زست بود. به جز. یه جور جلب توجه. فکر می‌کردم قشنگ‌تر م وقتی ویپ دستمه. جذاب‌ترم وقتی دودش دور صورتم می‌چرخه. هیچ‌کس نگفت فرار بهش وایسته شی. هیچ‌کس نگفت آخرش نه خوب‌تیتری. نه قوی‌تری. فقط حسرتی. الان فقط می‌خوام به روز، فقط به روز، بدون ویپ باشم و احساس کنم واقعاً خودمم.

جایزه برای بزرگ شدن: بابام همیشه می‌گفت: «سیگار مال مردانه.» همیشه هم جلو اینه، با غرور می‌کشید. وقتی ۱۷ ساله شد، خودش برام خرید. گفت: «بلاخره مرد شدی.» اون لحظه حس کردم به چیز مهم رو به دست آوردم. فقط نفهمیدم که اون «چیز مهم» به رنجیره لعنتیه که قراره سال‌ها توی ریه‌هام بمونه. هیچوقت اون لحظه رو نمی‌بخشم. نه به بابام، نه به خودم.

همیشه در خانه بود: نوی خونمون همیشه بوی دود بود. نه به‌خاطر مهمونی یا مهمون، به‌خاطر خودمون. بابا می‌کشید. مامان می‌کشید. مهم نبود کی، کجا جلوی من. اولین بار تو رو از زیر مبل برداشتم. حس کردم چیز عجیب و خاصی نیست چون از بچگی توی فضا بودم الان که خودم چه دارم، تازه می‌فهمم فضا چقدر مهمه. کاش اون موقع کسی فضای خودمونمون رو تمیز می‌کرد. از دود ویپ نفاوتی؛ **وقتی پدرم گفت «حواست باشه»:** بابام همیشه می‌گفت: «سیگار بد». هیچوقت طرفش نرو.» بعد، خودش به یخ روشنس می‌کرد. منم نگاش می‌کردم و نمی‌فهمیدم یعنی چی. پسه رو از اش پرسیدم: «تو چرا می‌کشی؟» گفت: «گیر افتادم، تو نیفت.» ولی خب... افتادم. چون یاد گرفتم نصیحت بدون عمل، فقط به صدای خالیه. اگه واقعاً می‌خواست من نکشم، باید خودش خاموش می‌کرد.

عکس‌های قدیمی با بوی سیگار: توی همه عکس‌های بچگیم، بابام یه نخ سیگار تو دستشه. بعد من اینجه زده اما توی دنیای هواست. یه بار تو آلبوم خیره شدم و با خودم گفتم: «شاید منم یه روز...» اون روز رسید اما وقتی خودم بزرگ شدم، اون لیوان نگاه کردم و یاکشو اشغال شده دور. نمی‌خوام بچه‌م از روی عکسای من یاد بگیره.

خیالات از بوی پدر: دوستام هیچوقت خونه مانمی‌اومدن. همیشه به بویی توی پرده‌ها و مبل‌ها بود که نمی‌رفت. بابام می‌گفت: «تو که نمی‌کشی، به تو چاه» ولی نمی‌فهمید. منم باهاش قشنگ می‌شدم. منم تو اون بوی موندم، بزرگ شدم. اولین باری که کشیدم، فقط می‌خواستم بفهمم چرا این همه بهش وابسته‌اس. فهمیدم و بعد یاسختی. جدا شدم ولی هنوز بعضی بوها منو می‌برم به اون روزای خیالات.

صدای سرفه شبانه: از وقتی یادم میاد، صدای سرفه بابام جزء صدا‌های ثابت شب‌هام بود. اون سرفه‌ها خوابم رو می‌پراند. هر بار که می‌گفت «من کشیدم الان که خودم می‌ترسیدم. اولین باری که سیگار کشیدم، دلم نمی‌خواست بفهمم چرا اونقدر بد می‌سوزه. فقط می‌خواستم حس کنم چی اونقدر برامن مهمه. فهمیدم. ولی کاش هیچوقت نمی‌فهمیدم. پدرم هنوز سرفه می‌کنه. من دیگه نمی‌کشم، اما تا آخر عمر صدای اون سرفه‌ها با همه.

فرزندم من می‌کشم ولی تو نکش!

حسین گل‌محمدی

پژوهشگران معتقدند مهم‌ترین علت گرایش نوجوانان و جوانان به سیگار، اعتیاد والدین به مواد دخانی است. در واقع سیگار کشیدن والدین حتی به صورت تفننی در مقابل فرزندان می‌تواند احتمال سیگاری‌شدن آنان را در بزرگسالی با حتی در سنین نوجوانی چندین برابر افزایش دهد. شاید بتوان رفتار و گفتار دوگانه در برابر کودکان و نوجوانان را مهم‌ترین چالش تربیتی در همه زمینه‌ها برشمرد. یعنی گفتار و رفتار والدین معمولا در مقابل فرزندان یکی نیست و این درحالی است که بچه‌ها بیش از آنکه از گفتار برای ترک اعتیاد خودشان هیچ تلاشی نمی‌کنند. حتی منطقی‌ترین و مهربان‌ترین والدین به این اکتفا نمی‌کنند که با هزار دلیل، اعتیاد خود را به دخانیات توجیه کنند، اما هزار دلیل هم می‌آورند که فرزندان نوجوان و جوان خود را از گرایش به دود منع کنند. نکته قابل توجه اینکه حتی اگر فرزندان ما به کشیدن سیگار و قلیان روی نیاورند، همین که والدین سیگاری داشته باشند مثل این می‌ماند که آنها هم اهل دود هستند. زیرا در جوار والدین سیگاری، از مضرات بی‌شمار مواد دخانی در امان نمی‌مانند. در آستانه دهه خرداد، روز جهانی بدون دخانیات، بد نیست کلاه خود را قاضی کنیم و منصفانه ببینیم با استعمال دخانیات چه آسیب‌هایی به خودمان و خانواده‌مان می‌زنیم.

مهران موزونی، پژوهشگر حوزه سایبر و فعال رسانه‌ای:

القای مفرح‌بودن دخانیات در برخی رسانه‌ها شایع است

هرچند تلخ، اما باید پذیرفت دود دخانیات تا پشت در خانه‌ها رسیده و اگر پیشگیری نباشد سایه‌اش به سرعت بر سر نوجوانان و جوانان گسترده می‌شود. بر همین اساس خانواده‌ها بیش از هر زمان دیگری نیازمند تلاش، دقت و همراهی در تربیت فرزندان‌شان هستند، اما واقعیت آن است که آنان نباید تنها بازیگران میدان پیشگیری باشند. قانون نیز باید به یاری آنها بیاید، چراکه اگر اجرای قوانین و نظارت بر آنها کمرنگ و سست باشد والدین زیر باران تبلیغات و دسترسی آسان به مواد دخانی، تنها و بی‌پناه خواهند ماند. تربیت مؤثر، نیازمند پشتیبانی قانونی است؛ قانونی که هم حضور داشته باشد و هم به درستی اجرا شود. در ادامه گفت‌وگوی «جوان» با مهران موزونی، پژوهشگر حوزه سایبر و فعال رسانه‌ای را می‌خوانید که از چالش‌های این مسیر و ضرورت هم‌افزایی میان خانواده و نظام قانونگذاری گفته است.

دخانیات چگونه در فرهنگ عمومی و رسانه‌ها جا افتاده است؟

سابقه مصرف دخانیات در ایران عمدتاً به دوران صفویه برمی‌گردد که در قالب چپق و سپس قلیان ظهور و بروز پیدا کرد. وقتی به تاریخ مصرف و رواج دخانیات در کشورمان توجه می‌کنیم نقش شاهان و شخصیت‌های کشوری را در ترویج عمومی دخانیات پررنگ می‌بینیم. گفته شده است که در دستگاه سلطنتی صفویه حتی شغل «قلیان‌دار» هم وجود داشته و در آثار نقاش مشهور عهد صفویه (رضا عباسی) نیز در مصرف قلیان موجود است. متأسفانه ابتلا ملوک الناس ایران به مصرف دخانیات، در دوران قاجار به اوج خود رسید و رواج مصرف تنباکو در عهد ناصرالدین شاه چنان اوج گرفت که ماجرا دستمامه قرار داد. نیگین رزی و در نهایت منتهی به قیام تنباکو شد. کما اینکه هنوز هم یکی از نقوش جذاب روی بدنه قلیان‌ها، غوری و نعلبکی‌ها در قهوه‌خانه‌های سنتی، تصویر منقش به ناصرالدین شاه قاجار است. سینما و تلویزیون نیز نقش بسیار مهمی را در دوران پهلوی برای ترویج مصرف دخانیات در فرهنگ عمومی داشتند. البته نکته بسیار مهم در تشدید همگانی‌سازی دخانیات در ایران (و حتی جهان) را باید اختراع سیگار دانست. زیرا کاربری از چپق سرخوبست‌ها یا پیپ غربی‌ها یا قلیان ایرانی‌ها نیازمند زمین‌گیر بودن کاربر و مسکن‌فرار به حجیم و سنگین است، درحالی که سیگار محمولی سبک با کاربری فوری، پرتابل، آسان و ارزان‌تر است. قابل‌فارغ از نقش افراد مشهور و اثر گذار در تبلیغات مصرف دخانیات، اختراع سیگار در قرن ۱۹ را باید مهم‌ترین دلیل سخت‌افزاری در عمومی‌سازی مصرف دخانیات دانست. واضح است که رسانه‌ها نیز با توجه «درآمدزایی و جذب اسپانسر» نقشی ویژه در عمومی‌سازی مصرف دخانیات داشته و دارند.

آیا جامعه ما سیگار و قلیان را یک آسیب می‌بیند یا هنوز به چشم تفریح نگاه می‌کند؟

اگر از خوش مصنوعی درخصوص چگونگی دیدگاه فعلی ایرانیان به مصرف دخانیات بپرسیم، خواهد گفت دیدگاه عمومی نسبت به مصرف دخانیات، به طور کلی منفی و نگران‌کننده است. بسیاری از افراد و سازمان‌ها، مصرف دخانیات را به عنوان یک خطر جدی برای سلامتی فردی و عمومی می‌دانند. این دیدگاه بر پایه شواهد علمی مبنی بر تأثیرات منفی دخانیات بر سلامت، از جمله افزایش خطر ابتلا به انواع سرطان، بیماری‌های قلبی و عروقی و مشکلات تنفسی است. این پاسخ اگر چه اشباه نیست، ولی کامل هم نیست، زیرا در دهه‌های سنی خاص از جامعه کنونی ما نسبت جمعیت معتقدند به «آسیب‌بودن مصرف دخانیات» به جماعت معتقد به جنبه تفریحی و تفننی مصرف دخانیات است و متأسفانه باید گفت که رسانه‌های نوین و دیجیتال طی ۱۰ سال اخیر توانسته‌اند، آمار معتقد به «مفرح‌بودن مصرف دخانیات» را بفشت بالا ببرند، این در حالی است که تصویب قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات در سال ۸۵ و متعاقباً تصویب و اجرای آیین‌نامه ممنوعیت مصرف دخانیات در اماکن عمومی نقش بسیار مهمی در آسیب انگاری مصرف دخانیات در افکار عمومی داشت.

نقش سریال‌ها، شبکه‌های اجتماعی و محتوای فرهنگی در گرایش نوجوانان به دخانیات چقدر جدی است؟

واقعیت این است که «سلبریتیسم» نوعی ضدفرهنگ است که بیشترین حوزه اثرگذاری‌اش بر رده سنی نوجوان و جوان می‌باشد. نوجوانی که اثرپذیری بالایی از سلبریتی‌های محبوبش دارد، وقتی در قاب تصویر سینما و تلویزیون با جذابیت‌های بصری مصرف دخانیات (از سوی کارآکترهای مورد علاقه‌اش) مواجه می‌شود، بدیهی است که به ورطه تقلید بیفتد. توجه کنید که ماده ۳ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصرح می‌گوید: «هر نوع تبلیغ، حمایت، تشویق مستقیم و غیرمستقیم یا تحریک افراد به استعمال دخانیات اکیداً ممنوع است.» قانونگذار قاطعیت خود را با قید «اکیداً» در متن ماده مذکور نشان داده است، ولی هم‌اکنون این سؤال جدی برای اهل فن مطرح است که چرا همین قاطعیت در اجرای قانون (خصوصا در محتوای تولیدی شبکه نمایش خانگی) ابدا رعایت نمی‌شود؟ واقعاً چرا حضور قاطع دستگاه تنظیم‌گری همچون سازمان را در ممیزی نمایش مصرف دخانیات در سریال‌های پلتفرم‌های خصوصی شاهد نیستیم؟ به‌نظرم دلایل اصلی عدم رعایت موازین و قوانین ابلاغی در پلتفرم‌های مجازی را باید در ضعف یا ترک فعل دستگاه‌های نظارتی و قضایی جست. کما اینکه ساتر ارباها به تلویح یا به تصریح اعلام کرده که برای تمکین پلتفرم‌های شبکه خانگی و مجازی از قانون، نیازمند حمایت قاطع و عملی قضایی است.

چرا در برخی مناطق مصرف قلیان در خانواده عادی شده و حتی کودکان هم در معرض آن است؟

همانطور که گفتیم «در برخی مناطق!» اگر منظورتان منطقه‌بندی جغرافیایی است، می‌رسیم به دو مورد عمده!

یکی مناطقی که کشت و تولید توتون بیشتری دارند و در نتیجه مصرف قلیان خانوار آن مناطق بیشتر است و کودکان چنین خانواده‌هایی در معرض بیشتر هستند. دیگری استان‌های مرزی در معرض واردات قاچاق دخانیات هستند. فی‌المثل، در جمعیت ساکن سواحل خلیج‌فارس که بیشترین واردات دخانیات خارجی از آنجا صورت می‌گیرد فراوان‌ترین مصرف سیگار تنباکو (قلیان) را نیز شاهد هستیم که کودکان نیز به تبع خانواده در معرض هستند. جنبه دیگر محبوبیت قلیان، مصرف آن در گعده‌های خانوادگی و دورهمی‌هاست و از آنجا که شرایط آب‌وهوا و اقلیم مناطق گرمسیری جنوب کشور موجب تشدید دورهمی‌های شبانه است، باعث شده تا آمار مصرف قلیان در مناطق جنوبی بیشتر باشد و در نتیجه کودکان و نوجوانان نیز در دورهمی خانواده‌ها بیشتر به ضبط آن لب نمانند.

چه نوع سیاست‌های پیشگیرانه‌ای در سطح شهر، رسانه و آموزش باید اجرا شود؟

بهترین سیاست، اجرا و مراعات قانون است. قانونگذار آن وقت و زمانی هرچند تلخ، اما باید پذیرفت دود دخانیات تا پشت در خانه‌ها رسیده و اگر پیشگیری نباشد سایه‌اش به سرعت بر سر نوجوانان و جوانان گسترده می‌شود. بر همین اساس خانواده‌ها بیش از هر زمان دیگری نیازمند تلاش، دقت و همراهی در تربیت فرزندان‌شان هستند، اما واقعیت آن است که آنان نباید تنها بازیگران میدان پیشگیری باشند. قانون نیز باید به یاری آنها بیاید، چراکه اگر اجرای قوانین و نظارت بر آنها کمرنگ و سست باشد والدین زیر باران تبلیغات و دسترسی آسان به مواد دخانی، تنها و بی‌پناه خواهند ماند. تربیت مؤثر، نیازمند پشتیبانی قانونی است؛ قانونی که هم حضور داشته باشد و هم به درستی اجرا شود. در ادامه گفت‌وگوی «جوان» با مهران موزونی، پژوهشگر حوزه سایبر و فعال رسانه‌ای را می‌خوانید که از چالش‌های این مسیر و ضرورت هم‌افزایی میان خانواده و نظام قانونگذاری گفته است.

باتوجه به اینکه مصرف دخانیات علاوه بر اینکه منطبق بر موازین شرعی نبوده و نوعی منکر به حساب می‌آید، یک عمل ضدفرهنگی هم محسوب می‌شود. بنابراین سمت‌هایی همچون امامت جمعه جزو مسئول‌ترین عنوان یک نیروی پیشران مدیریتی می‌تواند تمامی دستگاه‌ها را مستمراً برای کار کاهش این آسیب بیاورد

چه راهکارهایی برای فرهنگ‌سازی مؤثر در پیشنهاد می‌دهید؟

بهترین راهبرد در مبارزه با ضدفرهنگ‌ها راهبرد «تولید فرهنگ برائت تبع خانواده در معرض هستند. جنبه دیگر محبوبیت قلیان، مصرف آن در گعده‌های خانوادگی و دورهمی‌هاست و از آنجا که شرایط آب‌وهوا و اقلیم مناطق گرمسیری جنوب کشور موجب تشدید دورهمی‌های شبانه است، باعث شده تا آمار مصرف قلیان در مناطق جنوبی بیشتر باشد و در نتیجه کودکان و نوجوانان نیز در دورهمی خانواده‌ها بیشتر به ضبط آن لب نمانند.

چه نوع سیاست‌های پیشگیرانه‌ای در سطح شهر، رسانه و آموزش باید اجرا شود؟

بهترین سیاست، اجرا و مراعات قانون است. قانونگذار آن وقت و زمانی هستند و نیاز به تعلق‌پذیری در چنین دوره‌ای نسبت به سایر دوره‌های زندگی بیشتر است. مثلاً در جمع دوستانه‌ای که چند نفر دارند سیگار یا قلیان مصرف می‌کنند، نوجوان اینگونه برداشت می‌کند که اگر با آنها همسار نشود، از جمع طرد می‌شود. بنابراین چنین برداشتی احتمال لبزدن نوجوان به سیگار یا قلیان را به شدت بالا می‌برد.

نقش خانواده در پیشگیری یا حتی تشدید مصرف دخانیات چیست و آیا سبک فرزندپروری والدین در این موضوع تأثیر دارد؟

همانطور که اشاره کردم، الگو بودن والدین نقش تعیین‌کننده‌ای در این راستا دارد. مثلاً اگر والدی خودش استعمال دخانیات نداشته باشد، احتمال گرایش نوجوان به مصرف سیگار یا قلیان را به شکل چشم‌گیری کاهش می‌دهد. اگر سبک فرزندپروری مناسب مورد بسیار مهمی است که والدین باید نسبت به آن نه تنها آگاه باشند، بلکه باید آگاهی خود را نسبت به این موضوع مهم بالا ببرند. سبک خانوادگی سالم نیز مؤلفه است. چراکه در خانواده سالم والدین در مقام قدرت قرار می‌گیرند و عنان اختیار در دست والدین است. نه فرزندان که این امر سبب می‌شود تا والدین احترام خود را حفظ کنند و همچنین منجر به این می‌شود که در عین بودن رابطه گرم و صمیمانه در فضای خانواده، بچه‌ها از والدین خود حساب ببرند و حرف شنوی بیشتری داشته باشند. همچنین وجود خانواده سالم سبب می‌شود تا مهارت نه گفتن فرزندان به طور چشمگیری بالا رود. چراکه در خانواده سالم اعتماد به نفس فرزندان همواره در حال افزایش است. در خانواده سالم بی‌تفاوتی یا سختگیری وجود ندارد، اما در عوض گفت‌وگوی مؤثر همواره در جریان است.

والدین در مواجهه با نوجوانی که سیگار می‌کشد، چه واکنشی باید داشته باشند؟ آیا تنبیه یا سختگیری نتیجه دارد یا باید از روش‌های جایگزین استفاده کرد؟

واکنش والدین در مواجهه با چنین رویدادی در ابتدا باید اینگونه باشد که فاجعه‌ای رخ نکشده و سعی کنند تا جایی که می‌توانند خونسردی خود را حفظ کنند. ابتدا به سراغ واک